

آنچه خدا پیوست

نوشته: ویلیام هاپر

- فصل اول: از ابتدای خلقت..... ۱
- الف- کنفرانس کلیسا و میسیون
 - ب- لزوم آمادگی
- فصل دوم: خدا ایشان را مرد و زن آفرید..... ۳
- الف- همسر مسیحی
 - ب- مراسم مسیحی
 - ج- شبان مسیحی
 - د- خانواده مسیحی
- فصل سوم: سنگدلی، گاهی دلیل اقتصادی دارد..... ۷
- الف- باید پا را به اندازه گلیم خود دراز نمود
 - ب- بودجه خانواده
 - ج- هدیه کرده به خدا به وسیله کلیسا
- فصل چهارم: پدر و مادر خود را ترک نماید..... ۹
- الف- ازدواج
 - ب- تأثیر خانواده و بستگان
- فصل پنجم: با زن خویش پیوندند..... ۱۲
- الف- آشنایی قبلی
 - ب- ایجاد علاقه‌های مشترک
- فصل ششم: و این دو یک تن خواهند بود..... ۱۵
- الف- موضوع سن
 - ب- سطح معلومات
 - ج- تأثیر شغل در ازدواج
 - د- موضوع جنسی در ازدواج
 - هـ- اصلاح شخصیت
 - و- استفاده صحیح از وقت
 - ز- بیمه
 - ح- گذشت (عفو و بخشش)
- فصل هفتم: انسان آن را جدا نکند..... ۲۰

الف – کنفرانس کلیسا و میسیون

چند سال قبل در کنفرانس کلیسا و میسیون تصمیم گرفته شد که اطلاعات و تذکرات لازم درباره ازدواج به طور واضح در دسترس جوانان گذارده شود، بنابراین این متن نوشته شد. هدف این کتاب مختصر، تشریح خوشی‌ها، لذت‌ها، غصه‌ها و مسایل مربوط به ازدواج می‌باشد و امید می‌رود که این تذکرات برای افراد در هر سنی که در صدد ازدواج می‌باشند، بخصوص برای جوانان ما مفید واقع شود و تا اندازه‌ای ایشان را هدایت کند، زیرا توجه به نکاتی که درج می‌گردد آغاز پی‌ریزی یک خانواده مسیحی خوشبخت است. امر ازدواج گرچه کاملاً طبیعی است، ولی تا اندازه‌ای شباهت به امتحانات سال تحصیلی دارد؛ یعنی همان طور که برای گذراندن امتحانات و موفق شدن، مطالعه کافی و آمادگی قبلی ضروری است، ازدواج سعادت‌مند نیز مطالعه کافی و دقت بسیار لازم دارد. همان طور که در امتحان نمره ۱۸ یا ۲۰ را نمی‌توان اتفاقی و بدون مطالعه دریافت کرد تشکیل یک خانواده خوشبخت نیز سرسری و بدون مطالعه امکان‌پذیر نخواهد بود. موفقیت در هر امتحان مستلزم کار و زحمت و آمادگی است، در ازدواج نیز چنین است. قبل از انجام مراسم ازدواج مطالعه و آمادگی و پس از آن پشتکار و فداکاری لازم است.

ب – لزوم آمادگی

یک روز صبح جوان مرتب و آراسته‌ای به دفتر یک شرکت مهم مراجعه و تقاضای شغل نمود. آنچه به نظرش مورد نیاز بود همراه داشت، معرفی‌نامه‌های متعدد از مؤسساتی که قبلاً در آنجا مشغول بود، گواهی‌نامه مدرسه، فهرستی از کارهایی که می‌توانست انجام دهد، توصیه‌ها از دوستانی که در آن شرکت موقعیتی داشتند. چون پیدا کردن کار به نظر این جوان بسیار مشکل بود، تمام مدارک فوق را جمع کرده با خود آورده بود با این امید که شاید در پیدا کردن کار مؤثر باشد. حتی ماه گذشته را به تمرین زبان‌های انگلیسی و فرانسه که فکر می‌کرد مورد احتیاج باشد، صرف کرده بود. جوان به اتاق رئیس کارگزینی شرکت هدایت شد. نام خود را روی کارتی نوشته امضا کرد، ولی برعکس آنچه درباره اشکالات کار انتظار داشت بی‌درنگ از طرف شرکت به سمت بازرسی این اداره در خراسان با حقوق ۲۵۰۰۰ ریال در ماه استخدام شد.

این داستان را بشنوید، ولی باور نکنید. چنین اتفاقی نیفتاده و هرگز نخواهد افتاد. هیچ شرکتی هرگز کارمندی را بدون امتحان جهت کار مهمی استخدام نخواهد نمود. مسلماً برای هر کاری آمادگی قبلی لازم است. مثلاً خواهر شما آشپزی لازم دارد، شخصی هم جویای کار است. اولین سؤالی که خواهر شما از این شخص می‌کند چیست؟ «از آشپزی چه اطلاعی دارید؟» این واضح است که خواهر شما کسی را می‌خواهد که بتواند غذا تهیه کند و آمادگی این کار را داشته باشد. مثل‌ها مذکور بسیار ساده هستند و به نظر همه ما بسیار طبیعی است که یک کارمند اداری یا ساده‌تر بگویم یک آشپز بایستی برای کاری که عهده‌دار آن می‌شود تربیت شده باشد، ولی آیا جای تعجب نیست که اغلب جوانان ما ازدواج می‌کنند بدون اینکه اصلاً بفهمند و درک نمایند که منظور ازدواج چیست و مخصوصاً ازدواج مسیحی چه مفهومی دارد؟ در اغلب کلیساها هر ساله عده‌ای آمادگی قبلی داشته باشند ازدواج می‌کنند. یک باغبان قطعاً باید بداند که دانه‌ای را در تحت چه شرایطی بکارد و در این رشته تعلیم یافته است. جوانان ما نیز باید بدانند که چگونه یک خانواده مسیحی را باید پی‌ریزی نمود، ولی آیا کسی با آنها در این باره تعلیمی داده و ایشان را آماده کرده است؟

اگر حوصله ندارید یا فکر می‌کنید که به نکات لازم ازدواج آشنا هستید تقاضا می‌شود که هم اکنون کتاب را بسته برای خواندن آن به خود زحمت ندهید، زیرا این کتاب مختصر برای کسانی که مایل هستند مطالبی بیاموزند نوشته شده است و همچنین برای کسانی است که مایل باشند آنچه آموخته‌اند به مرحله عمل درآورند. ابتدا قابل انکار نیست که درباره همسران خود روز به روز به نکات تازه‌تر و جالب‌تری متوجه می‌گردیم. توجه کنید که فقط خواندن کافی نیست، بلکه آنچه آموخته‌ایم باید به مرحله عمل درآوریم. این کار شاید چندان آسان نباشد، ولی آیا با میل و رغبت این زحمت را متحمل می‌شویم؟ تشکیل یک خانواده خوشبخت اجر و پاداش آن است. مسلماً نمی‌توان در این کتاب کوچک تمام نظریه‌ها و نکات مورد نظر را گنجاند و برای تشریح هر موضوعی مجال کافی نیست. این تذکرات فقط

محرکی برای انگیزه‌های شما خواهد بود که بتوانید شخصا درباره ازدواج خود تعقل نموده برای این موضوع حیاتی تصمیم بگیرید. شبانان کلیسای ما برای مشورت با جوانان چه قبل از ازدواج و چه در حل مشکلات پس از ازدواج همواره آماده می‌باشند. شبانان ما نسبت به فرد فرد ما که عضو کلیسا هستیم توجه دارند و در نتیجه تجربیات و تماس‌هایی که با خانواده‌های مختلف و مشکلات آنان داشته‌اند موقعیت بسیار مناسبی برای نصیحت و دلالت ما دارا می‌باشند. لزومی ندارد که ما انتظار گرفتن دستوراتی از شبان خود داشته باشیم، بلکه او را مانند دوست صمیمی تلقی نماییم که در مواقع ناراحتی و اشکال با او درد و دل کنیم و بار اندوه خود را تا اندازه‌ای سبکتر گردانیم. این کتاب و شبان شما ممکن است دو کمک بزرگ در آمادگی شما برای ازدواج باشند. در ضمن این اوراق (مرقس ۱۰: ۱-۹) را با اندیشه و تعمق بخوانید. موضوع هر فصل از این کتاب از این قسمت کتاب مقدس گرفته شده است. فریسیان نزد مسیح آمده درباره طلاق از وی سؤالاتی نمودند (بعضی از اشخاص همواره به جنبه منفی هر موضوعی توجه می‌کنند)، ولی مسیح این سؤال را طوری حلاجی نمود که بعضی نکات مهم و ضروری را درباره ازدواج تذکر داد و جنبه‌های مثبت آن را گوشزد فرمود. سخنان مسیح را در این باره بخوانید.

«و از آنجا برخاسته از آن طرف اردن به نواحی یهودیه آمد و گروهی باز نزد وی جمع شده و او بر حسب عادت خود باز به ایشان تعلیم می‌داد. آنگاه فریسیان پیش آمده از روی امتحان از او سؤال نمود که آیا مرد را طلاق دادن زن خویش جایز است؟ در جواب ایشان گفت موسی شما را چه فرموده است. گفتند موسی اجازه داد که طلاق‌نامه بنویسند و رها کنند. عیسی در جواب ایشان گفت: به سبب سنگدلی شما این حکم را برای شما نوشت. لیکن از ابتدای خلقت خدا ایشان را مرد و زن آفرید از آن جهت باید مرد پدر و مادر خود را ترک کرده با زن خویش پیوندد و این دو یک تن خواهند بود چنانکه از آن پس دو نیستند، بلکه یک تن. پس از آنچه خدا پیوست انسان آن را جدا نکند.»

الف - همسر مسیحی

توجه کنید که این کتاب درباره ازدواج به طور کلی نیست، بلکه بخصوص درباره ازدواج مسیحی بحث می‌کند. مسیحیت و خانواده مسیحی مخصوصا مورد نظر می‌باشد. لازم است از ابتدا تذکر دادن یک خانواده مسیحی غیر ممکن می‌گردد و این نکته مهم در تمام کشورهای عالم صدق می‌نماید. ازدواج، پیوند دو فرد است و مسلما با وجود فرقی اساسی مانند تفاوت مذهب پیوند حقیقی و محکم را دقیقا مورد مطالعه قرار خواهیم داد که در اینجا فقط به ذکر اینکه یک خانواده مسیحی را باید افراد مسیحی تشکیل دهند اکتفا می‌کنیم. اگر با فرد غیر مسیحی ازدواج کرده‌ایم ممکن است جدیت کنیم که طرف نیز به مسیحیت بگردد و ضمنا ظاهرا هم اوقات خوشی داشته باشیم، اما در اعماق احساسات خود، هرگز با هم یکی نخواهیم بود. به علاوه اطفال این فامیل بدون شک با مشکلاتی مواجه خواهند شد. یکی از هدف‌های این کتاب مختصر تذکر دادن مسایل مهم حیاتی ازدواج است که باید قبل از ازدواج به آنها توجه بشود والا ممکن است بعدا مسائل و مشکلات جدی ایجاد نمایند. اگر چنانچه تصمیم گرفته‌اید با یک فرد غیرمسیحی ازدواج کنید بهتر است وضعیتی را که ممکن است در آینده پیش آید قبلا با هم در میان نهد.

شاید مطالب متعددی را باید مطرح نمود را آشکار کنید. از ابزار حقیقت مطلبی هرگز روگردان نباشید، زیرا در اغلب موارد حلاجی مطالب به قدری مهم و جدی است که ممکن است از ازدواج صرفنظر گردد. اگر پس از همه این مطالعات تصمیم به ازدواج گرفتید مواجه با مسایل پیش بینی شده آسانتر و احتمال تشکیل دادن یک خانواده خوشبخت قوی‌تر است، زیرا پیشامد اشکالات مطرح شده باعث تعجب و حیرت نخواهد گشت. دوباره خاطر نشان می‌گردد که تأکید اصلی این کتاب کوچک درباره خانواده مسیحی است. اگر چنانچه در یک خانواده عادات و عقاید مشترک نباشند، مسائل و اشکالات زیاد پیش می‌آید. در خانواده‌ای که فقط زن یا شوهر، مسیحی باشد هدف‌ها فرق می‌کند، فلسفه و طرز تربیت کودکان نیز متفاوت است. روش تنظیم بودجه روی اصول مختلف قرار می‌گیرد. هیچ مذهبی جز مسیحیت چنین مقام مهمی را برای زن قائل نیست، بنابراین مفهوم اساسی ازدواج؛ یعنی مشارکت در محبت فقط و فقط در مسیحیت وجود دارد و بس. شاید این بیانات مؤکد و دقیق به نظر برسند، ولی لازم است که تا شدید و قوی باشند تا همان طور که یک دوربین عکاسی دقیق تمام خطوط عکس را مجسم می‌نماید در نور این بیانات بتوان تمام اطراف و جوانب و چگونگی ازدواج با غیر مسیحی را به طور واضح نمایان ساخت.

در این مختصر به طلاق که در صورت عدم موفقیت ازدواج اتفاق می‌افتد اشاره نمی‌شود، بلکه به انتظار و امید کامل جنبه مثبت پیوند موفقیت‌آمیز مورد بحث ماست. به این ترتیب با یکی از مراحل حیاتی ازدواج از نقطه نظر کتاب مقدس مواجه می‌شویم. ازدواج موقتی و یک تجربه آزمایشی نبوده، بلکه برای تمام عمر است. در مفهوم مسیحیت ازدواج دو تن با عمیق‌ترین مفهوم یکی می‌گردد. یک مرد و یک زن با هم رشد کرده با هم می‌آمیزند. برای هر زوجی به همان اندازه که خوشحالی و سعادت روی می‌آورد، فراز و نشیبی هم وجود دارد، ولی عمیق‌ترین ارتباط و بستگی با مرور سال‌ها و گذشت زمان، رشد و نمو می‌کند. ازدواج برای تمام عمر است. مفهوم دوم ازدواج از نظر کتاب مقدس ارتباط بین یک زن و یک مرد است. نفر سوم یا زن دوم نمی‌تواند وجود داشته باشد. هنگامی که یکی از دو همسر بمیرد، البته دیگری مجاز است که دوباره ازدواج کند، زیرا پیمان ازدواج تا سر حد مرگ است (اول قرنتیان ۷: ۳۹، رومیان ۷: ۱-۳)، ولی در مدت حیات نباید فرد ثالثی باعث جدایی و فاصله یگانگی یک زوج قرار گرفته یا خیانت و غیره ارتباط زن و شوهر را مختل سازد.

هرگاه یکی از زوجین در این قسمت مقصر باشد، طرف دیگر فرصت خوبی جهت اغماض و حسن تفاهم خواهد داشت. ضمنا در چنین موارد تمام اشکالات را نباید به یک طرف متوجه ساخت. به هر حال با وجود اینکه ممکن است خسارت و ناراحتی‌های قابل توجهی پیش آید پیوند زناشویی کاملا از هم نمی‌گسلد، زیرا با دستور کتاب مقدس ازدواج فقط بین دو فرد است (به اول تیموتاؤس ۱: ۵-۶، عبرانیان ۱۳: ۴، اول تسالونیکیان ۴: ۱-۶، لوقا ۱۶: ۱۸، مرقس ۱۰ رجوع شود). قبلا تذکر داده شد که مفهوم اساسی دیگر ازدواج طبق دستور کتاب مقدس ازدواج یک مسیحی با مسیحی دیگر است. این مفهوم از قسمت‌های کتاب مقدس درباره ازدواج مانند مرقس فصل ۱۰ که قبلا

درج گردیده استنباط می‌شود، ولی مخصوصاً به طور مشخص از اول قرن‌تین ۷: ۳۹ و افسسیان ۵: ۲۱ و قسمت‌های دیگری که پولس رسول به اختصاص برای مسیحیان نوشته شده است، مفهوم می‌گردد. دو دوره تاریخ کلیسای مسیحیت افراد هر سرزمینی حس کرده‌اند که باید در این باره توافقی حاصل نموده با غیرمسیحی نیز ازدواج کنند، زیرا فکر می‌کردند که نمی‌توانند زن یا شوهر مطلوب خود را در میان قوم خود پیدا کنند. در موارد بی‌شماری چنین اقدامی تولید بدبختی‌ها نموده و بارها همسر مسیحی به تدریج از کلیسای عیسای مسیح دور افتاده است.

در مکاشفه ۲۱: ۹ و افسسیان ۵: ۳۲ می‌خوانیم که کلیسا را عروس مسیح می‌نامند. پیوند ازدواج وابسته به شعار دینی است و برای درک مفهوم حقیقی ازدواج هر دو همسر باید کاملاً به مسیح که سر کلیسا و سر هر ازدواج است سپرده شوند و این نیز واضح و قطعی است که یک فرد غیرمسیحی نمی‌تواند به مفهوم غیر واقعی ازدواج، طبق آیین و ایمان مسیحیت پی ببرد و اگر هم چیزی درک کند بسیار ناچیز و بی‌مقدار خواهد بود. ما خدا را تمجید می‌گوییم که امروز عده‌ای با وجود اینکه با یک مسیحی با ایمانی ازدواج نکرده‌اند قادر هستند شاهدین بارز و درخشنده محبت مسیح در خانه‌های خود یا موارد دیگر باشند. خداوند قادر است یک فرد مسیحی را برگزیند تا در فامیلی برای جلال و فیض او شهادت دهد. چون اجتماع ما در این کشور چندان وسیع نیست وظیفه گروه کلیه مسیحیان است که به جوانان کلیسا در پیدا کردن همسر مناسب کمک کنند اگر ازدواج با مسیحی را لازم می‌دانیم و در این باره اصرار می‌ورزیم بار مسئولیت هدایت جوانان در انتخاب همسر به طور کلی به دوش اجتماع مسیحی خواهد بود.

ب- مراسم مسیحی

اگر تشکیل یک خانواده مسیحی انتظار می‌رود ازدواج دو فرد مسیحی کافی نیست، بلکه این ازدواج با مراسم مسیحی باید انجام پذیرد. در این مراسم فقط دو نفر به یکدیگر قول پیوند نمی‌دهند، این تعهد در حضور خداوند انجام می‌گیرد. این زوج معتقد هستند که خدا ایشان را به هم می‌پیوندد و موظف هستند جهت بقیه عمر خود برای خداوند یک خانواده مسیحی پایه‌گذاری نماید. به علاوه تعهد به خداوند، این تعهد را در مقابل کلیسای او و حضور اعضای کلیسا قبول می‌نماییم. کلیسا شاهد مراسم پیوند زناشویی ماست و در صورت عدم اعتراض توافق خود را برای حمایت و کمک ما در این پیوند اعلام می‌نماید. پس ما تنها نیستیم، بلکه خداوند از ما پشتیبانی می‌نماید و تمام اعضای کلیسایی که ما عضو آن هستیم، یاران و دوستان ما می‌باشند. در این مراسم زندگی زناشویی ما از لحظه‌ای که در کلیسا حاضر شده شبان مراسم ازدواج را جاری می‌سازد آغاز می‌گردد. این یک آغاز شاخص و حقیقی است و بهتر از این وجود ندارد.

ج- شبان مسیحی

امتیاز دیگر مراسم مسیحی این است که یک شبان مسیحی پشتیبان ماست. این شخص که با او درباره ازدواج مشورت کرده‌ایم و از وی کمک فکری گرفته‌ایم حاضر خواهد بود در مواقع ضروری به ما کمک کند. در نتیجه انجام این مراسم و ازدواج مسیحی مطمئن هستیم که خدا، کلیسای او و شبان کلیسا با ما همراه می‌باشند. تا کنون در کلیسای ما با اجرای مراسم مسیحی چندان توجه نشده است، اغلب مشاهده می‌شود که تمام تصمیمات گرفته شده، جزئیات کار آماده گشته، لباس عروسی حاضر است، کیک را هم سفارش داده حتی کارت‌های دعوت هم پخش شده‌اند و پس از همه اینها روز آخر با عجله به شبان خبر می‌دهند که لازم است فلان ساعت در کلیسا حاضر شده، مراسم ازدواج را جاری نماید. این وظیفه کلیسا است که چنین جزئیاتی را متوقف سازد. در فصل اول این کتاب بیان گردید که برای برداشتن قدم مهم زندگی که پیدا کردن کار مناسب است، آمادگی قبلی بسیار لازم و ضروری است. اشخاص را بدون اینکه مطالعات کافی داشته و دوره دروس لازم را آموخته باشند به عضویت کلیسا نمی‌پذیریم. آیا در این صورت برای ما مسیحیان، ازدواج به اندازه کافی اهمیت ندارد که قبلاً آماده شویم؟ این یکی از مسؤولیت‌های شبان کلیسا است که با زوج جوان تماس گرفته در آمادگی و مطالعه این موضوع اساسی و مهم به ایشان کمک نماید.

نویسنده در تحت شرایط معمولی زوجی را بدون تقریباً چهار جلسه مشاورتی که معمولاً حداقل یک ماه لازم دارد عقد نمی‌کند. در فاصله این مشاوره اشخاص فرصت دارند درباره مطالب مهم ازدواجی که در پیش است، تفکر نمایند. کلیسا به وسیله شبانان خود فرصت بسیار مناسبی دارد که با جوانان با مفهوم زندگی مسیحی در دقایق و لحظاتی که شاید هرگز تکرار نشوند مواجه گردد. اگر از یک زوج ازدواج مسیحی مراسم مسیحی در کلیسای مسیحی انتظار داریم آیا صحیح نیست که شبان کلیسا ایشان را در آمادگی قبلی کمک کند؟ البته لازم است که شبانان کلیسای ما

برای انجام این مسؤولیت خود قبلاً آمادگی داشته باشند تا بتوانند زوج بی تجربه‌ای را برای کمک و مشورت به آنها مراجعه می‌کنند، راهنمایی نماید. ما اعضای کلیسا وظیفه داریم شبانان را تشویق نماییم که خود را برای مشاوره‌هایی درباره ازدواج آماده نمایند. تا به قدر امکان بتوانند در مشورت مؤثر و مفید واقع گردند.

زوج‌هایی که برای انجام مراسم ازدواج به شبان مراجعه می‌کنند، باید بفهمند که هیچ شبانی اجباری ندارد مراسم ازدواج را به جا آورده از طرف کلیسا سندی را مهر و تصدیق نماید. شاید به دلایلی مثلاً طلاق قبلی به نظر شبان عقد یک زوج مجاز نباشد. هر شبان مسیحی قبل از عقد کردن باید به وجدان خود رجوع کند، زیرا بدون تردید برای زوجی که تمام وسائل را حاضر کرده آماده ازدواج هستند و بعد بفهمند که شبان حاضر به اجرای مراسم ازدواج نیست، پس گرفتن دعوت‌نامه‌ها بسیار خجالت‌آور و ناراحت‌کننده خواهد بود.

د- خانواده مسیحی

هدف اصلی تمام افکار، دعاها و فعالیت‌های ما تشکیل دادن یک خانواده مسیحی است. یک فرد مسیحی به اضافه فرد مسیحی دیگر را نمی‌توان ازدواج مسیحی نامید یا از نتیجه این عمل یک خانواده مسیحی تشکیل داد. فعالیت و پشتکار لازم است. نویسنده با اشخاصی که عقد نموده است پیشنهاد می‌نماید که هر سال کتابی درباره ازدواج بخوانند. گرچه فعلاً به زبان فارسی کتاب‌هایی درمورد این موضوع کمیابند، در هر حال بایستی به آموختن ادامه داد. بی‌دلیل نیست که (یوحنا ۳: ۱۶) مشهورترین آیه انجیل در عالم مسیحیت در تمام جهان است. این آیه یک حقیقت بسیار عمیق و در عین حال فوق‌العاده ساده را بیان می‌کند. «خدا جهان را محبت نمود» جواب ما مسیحیان به اینکه خدا ما را محبت نمود این است که ما هم باید هم خدا و هم هم‌نوع خود را دوست بداریم. در ازدواج محبت خود را نسبت به همسر خود با تسلیم و شرکت دادن وی در آنچه هستیم و هرچه داریم ظاهر می‌سازیم. خدا عیسای مسیح را به ما عطا فرمود و جواب ما تسلیم است و این تسلیم در هیچ مرحله‌ای از مراحل زندگی و مهم‌تر از مرحله زناشویی نیست.

در هر آنچه داریم با فرد دیگری سهیم و شریک می‌شویم، می‌بخشیم. هر چه داریم و هستیم متعلق به شریک زندگی ما می‌شود، زیرا دیگر دو نیستیم. پیوند زناشویی ما را به طرز عجیبی به هم آمیخته و در حقیقت یک فرد به وجود آمده است. بخشیدن و مشارکت اصل اساسی ایمان مسیحیت ما به طور کلی و بخصوص در ازدواج مسیحی می‌باشد. مسیح همه چیز به ما داد و ما هر آنچه که داریم به همسرمان تقدیم می‌کنیم. کلیسای ما هنوز به این اصل حیاتی پی نبرده است. هنوز ما مانند یک کلیسا نیاموخته‌ایم که از خود یا آنچه داریم به اندازه کافی وقف نماییم، زیرا نمی‌دانیم به چه دلیل باید وقف کنیم. مسیح خود را وقف نمود ما هم باید وقف شویم. روزی در کلیسای بیروت شبان کلیسا اعضای را تشویق و ترغیب می‌نمود که با سخاوت هدیه کنند. به چه دلیل؟ برای اینکه هدف رهبران کلیسا این بود که اعضای امسال بیست درصد بیشتر از سال گذشته هدیه کنند. عجب اشتباهی، ما باید هدیه بدهیم چون مسیح هرچه داشت در راه ما داد. هدایای ما برای این نیست که کلیسا بام تازه‌ای لازم دارد یا حقوق کشیش و شبان کم است یا اصلاً قبولی ما امسال باید بیشتر از سال قبل باشد. ما می‌بخشیم چون مسیح بخشیده است، وقف می‌کنیم چون او خود را وقف ما کرد.

در ازدواج نیز باید چنین باشد. خود را تسلیم می‌نماییم. در نتیجه محبت فرد دیگری را در کلیه وجودمان سهیم و شریک می‌سازیم، زیرا خدا ما را محبت نمود و مسیح خود را در راه ما وقف کرد. اگر حاضر نباشید که دیگری را کاملاً در زندگی جسمی و روحی خود شریک قرار دهید، واضح است که هنوز مسیحی کامل نشده‌اید. مشارکت، هسته مرکزی ایمان و زندگی مسیحی است. توجه نمودیم که در ازدواج مسیحی در هر نوع مسؤولیت از پرورش و تربیت کودکان گرفته تا خرید لوازم منزل و غیره به طور کلی در هر آنچه اتخاذ تصمیم لازم است، زن و مرد شریک و سهیم و هر دو ذی حق می‌باشند. البته وقف جسم و محبت نیز جزو لاینفک زناشویی است. به طور واضح مفهوم مشارکت در مسیحیت، از تمدن اکثریت جامعه ما به کلی متمایز می‌باشد. ابداً جای تعجب نیست که در جامعه مسیحیت مقام زن بالاتر از سایر جوامع بشری است. خدا ایشان را مرد و زن آفرید و آنها را به عنوان شریک زندگی به هم پیوست. این رابطه و پیوند با رابطه برده و ارباب کاملاً فرق دارد.

به عنوان مثال، شوهر ناگهان اعلام نمی‌کند که در عرض چند روز باید مسافرتی به آبادان بنماید. زن و شوهر قبلاً موضوع را با هم مطرح نموده تصمیم می‌گیرند. گو اینکه ممکن است در این مورد شوهر نفوذ و تأثیر بیشتری داشته

باشد، زیرا که انتقال غالباً مربوط به شغل مرد می‌باشد. یک شوهر مسیحی به تنهایی تصمیم نمی‌گیرد که نوزادی به خانواده اضافه شود، در اینجا نیز دو شریک زندگی با هم مذاکره نموده، بعد تصمیم می‌گیرند. در این مورد ممکن است نظریه و تمایل زن بیشتر دخیل باشد، زیرا قسمت سنگین این بار، پرستاری کودک، شب‌زنده‌داری‌ها و امثال آن از وظایف مختص مادر است؛ منظور اصلی این است که هر دو با هم فکر می‌کنند و با هم تصمیم می‌گیرند و هر بار مسلماً یکی از دو طرف پس از اندیشه و تعقل تسلیم عقیده دیگری می‌گردد. تمام جزئیات مربوط به زندگی خانواده، انتخاب خانه، تنظیم بودجه، تعیین موقع خواب، تقسیم ساعات روز، همه با توافق طرفین است و اگر فقط یک بار متوجه شده بفهمیم که پیوند زناشویی عبارت از شرکت زندگی اوست و با استبداد و دیکتاتوری فرق بسیار دارد در راه آمادگی برای ازدواج مسیحی قدم گذارده‌ایم و قسمت اصلی آنچه در بقیه کتاب نوشته شده فقط در صورت درک اصل مشارکت امکان‌پذیر می‌باشد.

فصل سوم: سگدلی، گاهی دلیل اقتصادی دارد

اغلب، جوانان تهیدست وقتی مایل باشند با دختر مورد نظر خود ازدواج نمایند یا در موقع کسب اجازه از افراد خانواده اظهار می‌دارند که کمی درآمد چندان مهم نیست، ممکن است دو نفر با هم مخارج یک نفر خود را اداره نمایند. هر قدر هم این فکر به حقیقت نزدیک باشد، باز هم مسلم است که هر یک از ما وظیفه داریم قبل از ازدواج درباره مسائل اقتصادی و درآمد خانواده دقت نماییم. یک جوان فکر می‌کند که اگر با دختر رویایی و ایده‌آل خود ازدواج نماید، زندگی خود را در آسمان هفتم تشکیل داده و مسایل و اشکالات دیگر به خودی خود حل خواهد شد، ولی چندی نخواهد گذشت که این جوان می‌فهمد که در همان آسمان هفتم به اضافه دختر ایده‌آل چلوکباب هم لازم است و شاید هم بی‌میل نباشد که یک فرش و چند صندلی نیز به اثاثیه این منزل آسمانی افزوده گردد. اگر پول به قدر کافی موجود نباشد آسمان هفتم قدری ناراحت‌کننده می‌شود و در صورت دسترسی نداشتن به رستوران‌ها و غذای کافی معده خالی و گرسنه در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد. کم‌کم آقا از اینکه همسر جوانش پول را بیهوده خرج کرده و درصدد تهیه غذا نیست، عصبانی می‌شود. این پایه خانه ایده‌آلی را در هم می‌ریزد. در این وقت است که ناگهان از اوج آسمان به زمین پرتاب شده تازه می‌فهمد که در اشتباه بود است.

الف- باید پا را به اندازه گلیم خود دراز نمود

تنظیم هزینه زندگی طبق درآمد، شایان توجه و بسیار مهم است. در مواردی که یکی از دو طرف (زن یا مرد) از خانواده متمول و دیگری از خانواده فقیرتری بوده است، مشکلات زیادی پیش می‌آید، مثلاً زن عادت به داشتن نوکر و کلفت، پول تو جیبی کافی، وفور نعمت، لباس‌های مناسب هر فصل، گردش و تفریح و همه چیز دیگر دارد و اکنون با وجود اینکه حقوق شوهرش ادا کافی نیست، انتظار دارد که به همان رویه خانه پدر خود زندگی نماید. در عین حال شوهرش تصمیم دارد هرچه پول بدست آورد به سرمایه مغازه خود اضافه کند و در نتیجه پول کافی برای تهیه لباس‌های تازه در دست نمی‌نماید. اینگونه مسایل در آغاز ازدواج بسیار جدی تلقی می‌شوند و ممکن است زن جوان تصور کند که شوهرش به او علاقه ندارد یا از اینکه با یک مرد بی‌پولی که نمی‌تواند احتیاجات روزانه او را تأمین نماید، ازدواج کرده است دچار ندامت شود. در ضمن شوهر فکر می‌کند که زنش ولخرج است (زیرا به نظر او ادا به داشتن لباس تازه احتیاجی نیست) یا اصلاً متوجه کار شوهرش نیست و حاضر به همکاری با وی نمی‌باشد.

بسیار عاقلانه است که قبل از ازدواج در وهله اول به درآمد خانواده جدید توجه نمود. اگر دختر خانم داشتن لباس‌های شیک و مناسب هر فصل را به یک شوهر خوب ترجیح می‌دهد قطعاً از ازدواج با مرد مورد بحث منصرف شده در انتظار شوهر پولداری می‌نشیند. اگر مردی انتظار دارد که زنش در سال‌های اول ازدواج از داشتن بعضی لوازم مورد علاقه خود صرف‌نظر نماید تا اینکه کار شوهرش رونق گیرد لازم است که موضوع را با زن آینده خود در میان نهد. بهترین موقع برای ابراز رازها و فاش کردن اسرار مهم طرفین دوران قبل از ازدواج می‌باشد. ممکن است مقدار درآمد به نظر زن و شوهر چندان مهم نباشد، ولی حتماً اینکه هر دو باید بدانند که درآمد خانواده در چه حدود است تا زندگی خود را طبق آن تنظیم نمایند. چنانچه دو ماه پس از ازدواج متوجه قروضی شدند برای هیچ یک زیاد تعجب‌آور نباشد. درمورد دیگر شاید زن و شوهر هر دو از طبقه هم سطح و شرایط زندگی هر دو تا اندازه‌ای هماهنگ بوده است، پس از ازدواج مانند قبل از آن زندگی را ادامه می‌دهند.

ممکن است اشکال دیگری پیش آید، مثلاً این دو نفر در کرمانشاه اقامت داشتند و شوهر در شرکت نفت کار خوب و حقوق مکفی داشت، خدایی ناکرده در نتیجه مقتضیات اداری و پیشامدهای غیره منتظره بیکار می‌شود. در این صورت تکلیف این زوج چیست؟ مگر نه وقتی پیوند زناشویی می‌دهیم که در هر حال خوب یا بد رفاه و تنگدستی با هم مدارا نماییم؟ اگر چنانچه در نتیجه اتفاقات پیش‌بینی نشده درآمد خانواده ناگهان به طرز فاحشی کاهش یابد موظف هستیم که فوراً خود را به زندگی ساده‌تری آماده نماییم. خانواده و اعضای فامیل به مراتب مهم‌تر از درآمد آن می‌باشد و مسؤولیت نگهداری از آنان در رأس اشکالات دیگر قرار می‌گیرد. بهتر است امکان وقوع اتفاقات غیره منتظره و اشکالاتی را که در درآمد خانواده به وجود می‌آورند قبلاً در نظر گرفت.

ب- بودجه خانواده

بعضی عقیده دارند که در هر خانواده لازم است، بودجه‌ای تنظیم گردد تا بتوان از بودجه به نحو احسن استفاده نمود. فراموش نکنید که در این مورد نیز نظریه زن و شوهر هر دو دخیل است؛ یعنی مصرف پول برای منظور معینی با توافق هر دو صورت می‌گیرد. این موضوع کاملاً صحیح است که برای هیچ مرد یا زنی مطلوب نیست، حساب آخرین شاهی خود را به طرف پس بدهد. هر فردی طبعاً میل دارد مبلغی برای مصرف شخصی و خصوصی بدون اینکه مجبور باشد صورت حسابی تهیه نماید در اختیار داشته باشد، ولی هرگاه موضوع خرج مبلغ نسبتاً قابل ملاحظه‌ای برای خرید اثاثیه منزل، خرید خانه مسکونی یا امثال آن پیش آید بدیهی است که قرار و تصمیم با نظریه و صلاحدید هر دو گرفته می‌شود. همه به خوبی می‌دانیم که اگر سر کیسه را قدری شل کنیم، قبل از اینکه بتوانیم متوجه بشویم، کیسه خالی می‌شود شاید هم به مصرف حقیقتاً لازمی نرسیده باشد، ضمناً هر چه هم که خریده‌ایم بی‌مصرف نبوده است. یک رادیوی قسطی، یک جفت کفش، پول تاکسی، کیسه خالی شد.

منظور تنظیم بودجه این است که در نتیجه بی‌توجهی و خرید اشیایی که چندان ضروری نیستند مواجه با کسر بودجه نشویم و درآمد محدودی به مصرف لوازم مهم‌تر برسد. بودجه را می‌توان با در نظر گرفتن مبلغ تقریبی لازم برای اتوبوس، مقدار نان لازم و پول روزنامه تخمین زد. بعضی اشخاص وقت صرف نموده و درباره طرز خرج هر یک ریال در ماه آتی، تصمیم بگیرند، اما به طور حتم همه ما می‌توانیم با همسر خود در کلیات مشورت نماییم که مثلاً پس‌انداز خود را اتومبیل بخریم یا یک فرش گرانیقیمت؟ کتاب‌های کتابخانه را تکمیل نماییم یا لوازم آشپزخانه را؟ اصل مهم طرح‌ریزی و تعیین مبلغی برای مصرف‌های مختلف است. چه مبلغ باید برای غذا، اثاثیه منزل، لباس، رفتن به سینما و گردش خرج کنیم. لازم است به زودی تصمیم بگیریم که هدف ما در زندگی چیست؟ چگونه می‌خواهیم پول خود را مصرف نماییم؟ برخی از والدین از اولین روز تولد طفل پولی برای تحصیلات آینده او پس‌انداز می‌کنند. بعضی دیگر عقیده دارند که اگر کودک را در دوران طفولیت در رفاه بیشتری نگاه دارند بهتر است. لازم است درباره هدف نهایی زندگی خود مذاکره نماییم و طرز مصرف پولی که در دست داریم به طور واضح تفکر کنیم.

با مختصر توجه، خواهیم فهمید که برای احتیاجات مختلف چقدر خرج می‌کنیم. بهتر است گاهی حساب تمام مخارج مختلف را در ماه نگاه داریم. مطالعه در بودجه یک ماه کمک می‌کند که طرز مخارج را تعدیل نماییم. مثلاً اگر پول تاکسی زیاد شده، بیشتر پیاده می‌رویم و یا از وسایل نقلیه عمومی استفاده می‌کنیم، مصرف زیاد برای گوشت ایجاب خواهد کرد که نان بیشتر بخریم و گوشت کمتر. اصراف در خرید لباس یعنی باید با همان لباس‌ها دو سال مدارا کنیم. به قول متخصصی هر قدر هم هزینه زندگی سنگین باشد آنچه حقیقتاً باعث ورشکستگی ما می‌گردد بالا گرفتن روش زندگی در تنظیم بودجه می‌باشد.

ج- هدیه کرده به خدا به وسیله کلیسا

یکی از وسوسه‌های آنانی که تازه ازدواج کرده‌اند این است که آنچه لازم دارند می‌خرند و برای هرچه در آتیه نزدیک لازم خواهند داشت کنار می‌گذارند و یک روزی سر فرصت سهمی هم برای کلیسای مسیح کنار خواهند گذاشت، اما متوجه باشید که تمام عادات نیک و لازم را از همان روزهای اولیه ازدواج بایستی آغاز نمود. مسیح خود را وقف کرد ما نیز باید وقف نماییم. همان طور که آنچه داریم بی‌دریغ با همسر خود شریک هستیم کلیسای مسیح را نیز باید در مایملک خود سهمیم نماییم، کسانی که به خود عادت داده‌اند از ابتدا ده یک درآمد خود را به کلیسا بدهند، هدیه کردن مقدار بیشتری در صورت داشتن عایدی سرشار بسیار آسان خواهد بود. کلیسای ما در ایران هرگز دارای قدرت و نیرویی که انتظار داریم نخواهد شد مگر اینکه ما اعضای کلیسا و خانواده‌های ما داوطلبانه و با سخاوت به وسیله هدایای خود از آن پشتیبانی نماییم.

الف- ازدواج

در اوایل کتاب، مختصری درباره ازدواج با غیر بیان شده است. ازدواج با غیر اقسام گوناگون دارد؛ منظور اصلی این است که ازدواج را وقتی می‌توان ازدواج مسیحی نامید که زن و شوهر هر دو مسیحی باشند. البته منظور از مسیحی فقط این نیست که شخص در خانواده یا نژاد مسیحی تولد یافته رشد نماید. بلکه غرض این است که این شخص با تعقل شخصی خود مسیح را قبول کرده باشد. یک آشوری مسیحی شاید در ازدواج با مسیحی دیگر که قبلاً مسلمان بوده تردید داشته، یا یک ارمنی مسیحی چندان مایل نباشد با دختر کلیمی‌الاصل ازدواج نماید، زیرا تمدنی که این افراد در آن تربیت یافته‌اند مسیحی نبوده است. البته درست است که اگر زمینه تربیت زن یا شوهر از هم متفاوت باشد برای ایشان عادت کردن به وضعیت جدید مخصوصاً وقتی ترجیح بدهند با زبان مادری خود که برای او کاملاً بیگانه است صحبت کند بسیار دشوار است. به دلایل بسیاری مسلمانان آسان‌تر است که با افرادی که محیط تربیتشان با ما یکسان بوده است ازدواج کنیم، ولی با وجود این آنچه از همه مهم‌تر است و دقت لازم دارد ایمان حقیقی همسر آینده ما می‌باشد. مواردی را که ازدواج با غیر می‌نامیم عبارتند از:

۱- ازدواج با ملل دیگر

بعضی برای اینکه ملیت خود را حفظ نمایند، مراقب هستند فقط با ملت خود ازدواج کنند. نکته مهم برای فرد مسیحی این است که با مسیحی دیگری ازدواج نماید. یافتن یک مسیحی مناسب و مورد نظر در یک محیط مسیحی کوچک و محدوده گاهی خالی از اشکال نیست. در این صورت علاقه داریم با مسیحی دیگری خارج از محیط و جامعه خود پیوندیم. هرگاه خانواده ما در عقاید مسیحی خود تا اندازه راسخ و متعصب هستند و ما هم تصمیم می‌گیریم با غیر ازدواج نماییم برای وقوف به آداب و عادات همسر آینده خود بهتر است با دوستان و آشنایان وی آشنا گردیم. پیوند سعادت‌مند دقت و حوصله لازم دارد. هر قدر هم که شریک زندگی ما با ما موافق و در آداب و رسوم شباهت کامل داشته باشد محبت و حسن تفاهم بین زن و مرد ضروری است. پس اگر تصمیم می‌گیریم با فرد مسیحی دیگری خارج از ملیت و تمدن خودمان که دارای زمینه تربیت کاملاً متفاوتی است، پیوند زناشویی ببندیم وظیفه ماست که برای برقراری حسن تفاهم و محبت با این تازه وارد کوشش بیشتری بنماییم و زحمت زیادتری تحمل کنیم تا به زندگی سعادت‌مندی امیدوار باشیم.

۲- ازدواج با غیر مسیحی

اکنون کاملاً واضح است که به چه دلیل ازدواج یک مسیحی با فرد غیر مسیحی چندان مطلوب نیست، زیرا در اعماق اصلی احساسات، این دو نفر هرگز با هم یکی نخواهند بود و حال آنکه هدف اساسی و اصلی ازدواج یکی بودن و به هم پیوستن است. قبلاً خاطر نشان گردید که از همان روزهای اولیه لازم است دو همسر سهمی از درآمد خود را برای کلیسای مسیح اختصاص دهند و این طبیعی است که یک فرد غیر مسیحی قلباً راضی نخواهد بود پولی را که با زحمت به دست آمده به کلیسا هدیه کند. مسیحیان می‌خواهند فرزندان خود را در مسیحیت تعلیم دهند و غیر مسیحی شاید به این کار اعتراض کند و مخالف باشد. مسیحیان علاقه دارند در مجالس عبادتی و فعالیت‌های کلیسایی شرکت نمایند و غیر مسیحی اینها را اتلاف وقت می‌داند. دوستان و آشنایان فرق می‌کنند و این باعث ایجاد شکاف می‌شود. در صورتی که یکی از هدف‌های مهم کلیسای مسیح در جهان مشارکت ایمانداران است که همه را به یکدیگر مربوط می‌سازد. همسر ما از این مشارکت محروم خواهد بود، ولی مهم‌تر از همه این ملاحظات این است که در حقیقت یک ایماندار و بی‌ایمان ممکن نیست بتواند در کنه قلب و اعماق احساسات نسبت به ایمان، خود را یکی بدانند و این حلقه اصلی که زنجیر ازدواج را به هم می‌پیوندد.

۳- ازدواج با فرقه کاتولیک

این ازدواج با غیر خارج از گروه نژادی ما نمی‌باشد و با یک نفر غیر مسیحی هم ازدواج نمی‌کنیم، یک مسیحی پروتستان با یک مسیحی کاتولیک رومی ازدواج می‌کند. اختلافات زیادی در ایمان و عمل کلیسای پروتستان و کلیسای کاتولیک وجود دارد که تولید مشکلات بسیار در ازدواج می‌نماید. اولین اشکال این است که به طرف پروتستان اعلام می‌گردد؛ مادامی که مراسم عقد در کلیسای کاتولیک و به وسیله کشیش کاتولیک اجرا نشود، ازدواج قانونی و رسمی شناخته

نمی‌شود و قبل یا بعد از آن نیز هیچگونه مراسمی نباید اجرا گردد. دومین مسأله غیرعادلانه برای پروتستان‌ها این است که طرف کاتولیک اصرار دارد و همیشه از همسر پروتستان قول و امضا می‌گیرد که فرزندان را طبق آیین و ایمان کاتولیک تربیت نماید و در کلیسای خود تعمید دهد. سرنوشت و ایمان کودکانی که هنوز به دنیا نیامده‌اند به طرزى که مخالف با ایمان و آیین یکی از اولیاست تعیین می‌گردد و در حقیقت به طرفی که پروتستان است ظلم و اجحاف می‌شود. ماده دیگر معاهده که پروتستان باید امضا نماید، این است که ابداً نباید در طرز رفتار و آداب و رسوم همسر خود و کودکان آینده که قطعاً طبق آیین کاتولیک است، دخالت نماید. همسر کاتولیک آزادی مطلق می‌خواهد، اما درباره اینکه رفتار او نسبت به همسر پروتستان چگونه باید باشد، شرط و گفتگویی نیست.

در فصل ششم درباره جلوگیری از تولد کودکان گفتگو خواهد شد، اما در ازدواج با کاتولیک همسر پروتستان باید امضا بدهد که در این مورد نیز اجباراً از تعلیمات کلیسای کاتولیک متابعت نماید. از دست دادن تمام عقاید و افکار و ایمان مذهبی در وهله اول ابداً طرز عاقلانه و صحیح ازدواج نیست. مفهوم مشارکت متقابل، فشرده شده از بین می‌رود. تمام هدایای کلیسای کاتولیک هدیه می‌شوند و مسلماً کودکان بدون چون و چرا طبق آیین کاتولیک تربیت می‌گردند. امضای چنین قراردادی درباره خواسته‌های همسر کاتولیک نمودار اشکالاتی است که همسر پروتستان با آنها مواجه خواهد شد. اختلاف عقاید و خواسته‌ها به قدری زیاد است که تحمل آنها بسیار سنگین و ممکن است روزی غیر قابل تحمل گردد. اگر تصمیم دارید با یک مسیحی کاتولیک ازدواج کنید درباره هر یک از نکات فوق با شبان کلیسا مشورت نمایید و همه را به دقت مطالعه کنید تا حداقل از قبل متوجه باشید که با چه اشکالاتی رو به رو خواهید شد.

ب- تأثیر خانواده و بستگان

از اینها که بگذریم موضوع خانواده همسر پیش می‌آید. کمک و دوستی پدر و مادر، برادران، خواهران و سایر بستگان همسر برکتی است که تا ابد سپاسگزار آن خواهیم بود، ولی برعکس وقتی مادرشوهر شما همیشه دستور بدهد چگونه غذا بپزید، اتاق را چگونه مرتب نمایید یا بچه‌ها را به چه نحوی تربیت کنید، ممکن است بسیار ناراحت بشوید. داستان‌های زیادی درباره مادرزن یا مادرشوهر و فرمایشات و دستورات ایشان راجع به فامیل جدید شنیده‌ایم. مشکل اینجاست که اغلب این داستان‌ها حقیقت دارند. روزی جوانی با زن و مادرزن خود در باغ رستوران نادری غذا می‌خوردند و خوش بودند. پیشخدمت جلو آمد و پرسید: «آقا باز هم پیسی کولا میل دارید؟» جوان رو به زن خود کرد و پرسید: «زینت اجازه هست یک پیسی دیگر بخورم؟» زن هم رو به مادر خود کرد و پرسید: «مادر اجازه هست یک پیسی دیگر بخورد؟»

۱- در انتخاب همسر

از شوخی گذشته البته کار خوبی است که در انتخاب همسر آینده به عقاید پدر و مادر و فامیل توجه کنیم، زیرا ایشان تجربه بیشتری دارند و اشخاص را بهتر می‌شناسند و ممکن است در انتخاب همسر، ما را کمک کنند. برخلاف همسایگان ما جوانان مسیحی در انتخاب شریک زندگی اغلب آزادی دارند، اما لازم است که از این آزادی، عاقلانه استفاده نمود. حقیقتاً والدین حق دارند که در انتخاب همسر اظهار عقیده نمایند. بهتر است به نصایح آنها گوش دهیم و هرچند بیشتر اوقات با عقاید آنها موافق نیستیم، ولی باید مطمئن باشیم که هدف و منظور ایشان خوشبختی ماست.

۲- بعد از ازدواج

پس از ازدواج اولین مسئولیت و توجه ما درباره شریک زندگی خودمان خواهد بود. مسیح فرموده است: «پدر و مادر خود را ترک کرده به زن خویش بپیوندید» (مرقس ۱۰: ۷). متأسفانه اغلب والدین به این موضوع توجه نداشته درک نمی‌کنند که نباید فرزندان خود را مانند قبل کنترل کنند و دائماً به فرزندان خود دستور می‌دهند و انتظار اطاعت محض دارند. اغلب والدین نمی‌خواهند بفهمند که فرزندان‌شان به حد بلوغ رسیده و آزادی لازم دارند. این انتظارات و دستورات والدین بعد از ازدواج زحمت زیاد ایجاد می‌نماید، اما همسران جوان و فهمیده باید این مشکل و مسأله طبیعی را در نظر بگیرند و هرچه ممکن است طوری رفتار کنند که از مشکلات پیشگیری شود. مواظب باشید و در انتخاب شریک زندگی به فامیل او نیز توجه نمایید. اگر نمی‌توانیم با خانواده همسر خود دوست بوده کنار بیاییم لازم است از اول ترتیبی بدهیم که تماسمان با ایشان کمتر باشد. آشنا شدن با اعضای خانواده طرف و قبل از ازدواج مدتی

رفت و آمد کردن و روش عاقلانه دیگری است. توجه کنید که اغلب اختلافات و مشکلات برای دو همسر جوان موقعی پیش می‌آید که تصمیم می‌گیرند با خانواده‌های خود زندگی نمایند. به قدر امکان بکوشید تا زندگی مستقلی تشکیل دهید. در بعضی از خانواده‌ها مادر شوهر اصرار دارد که عروس تحت اختیار و فرمان ایشان باشد و عروس هم حق دارد به این روش اعتراض نماید. بدین ترتیب پایه محبت و مشارکت بین زن و شوهر جوان متزلزل می‌گردد. عروس مایل است که پرده‌های منزل را با میل و سلیقه خود بخرد، ولی مادر شوهر راضی نیست عروس را در خرید پرده آزاد بگذارد. اغلب جوانان به دلیل اینکه پول کافی برای اجاره کردن خانه مستقل ندارند از ازدواج منصرف می‌شوند و مجرد زیستن را به زندگی با خانواده همسر و رو به رو شدن به مشکلات فوق ترجیح می‌دهند. ضمناً برای پدر و مادر نیز سنگین و طاقت‌فرساست که فرزند عزیز خود را به رایگان تسلیم دیگری نمایند و به کلی از وی چشم پوشیده، انتظاری هم نداشته باشند. تحمل این موضوع یعنی صرف‌نظر کردن از نهالی که با هزاران امید پرورانده‌اند بسیار دشوار است. پس برای زوج جوان فرض بر این است که مقام والدین را محترم شمرده و از زحمات و فداکاری‌های گذشته ایشان حق‌گیری آنها را در نظر گرفته با آنها مدارا کنند.

یکی از بزرگترین خوشحالی‌های ما که شاید مشکل هم باشد، توجه از والدین در دوران پیری و یا در موارد مریضی و افتادگی آنهاست. ممکن است به قدری پیر و مریض باشند که نتوانند از خودشان مواظبت نمایند. چنانچه ازدواج ما روی پایه صحیح انجام گرفته باشد و سال‌های خوشی با خانواده همسر خود گذرانده‌ایم، در چنین مواردی که توجه و پرستاری یکی از این افراد به عهده ما باشد با شادی و آسانی از عهده گرفتن این مسؤولیت راضی و خوشنود خواهیم بود.

این چیست که انسان را به سمت فرد بخصوصی جلب می‌نماید؟ در فصل قبل تا اندازه‌ای درباره ازدواج با غیر تأمل کردیم و فرض ما بر این است که به محیط و خانواده خود توجه کرده تفاوت‌های دو فرد را در نظر گرفته‌ایم. درباره پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده خود تفکر کرده ضمناً به فرد دیگری که دوستان و محیط خانواده‌اش با ما فرق دارد توجه نموده‌ایم. دلیل اینکه با غیر ازدواج کردیم این است که از برخی جهات با ما فرق داشته است. شاید خانواده او ثروتمندتر یا فقیرتر از خانواده ما بوده یا به مقام بیشتری اهمیت می‌دهند، یا برعکس من، قدری به نظر عجیب بیایند؛ به هر حال متفاوت هستند. بسیار بجاست که بفهمیم که هر کسی محیط را از دریچه خود می‌بیند؛ ما همه با هم فرق داریم ولی باید دید که جنبه مشترک ما دو نفر چیست؟ اصلاً با وجود تمام این تفاوت‌ها و شباهت‌ها هر دو را باید در نظر گرفت.

الف - آشنایی قبلی

این کاملاً واضح است که اگر با دختری که با نگاه اول توجه مرا جلب نموده ازدواج کنم، قادر نیستم جنبه‌های متفاوت و شبیه را تشخیص دهم. برای این کار وقت لازم است. وقتی به سینما رفته فیلم‌های ایتالیایی، فرانسه م امریکایی و یا ایرانی می‌بینیم، فکر می‌کنیم که یگانه شرط زندگی خوش و سعادت دائمی عشق است و عاشق شدن لازمه خوشبختی است. در فصل‌های گذشته کتاب، راجع به محبن بحث شده است و تذکر داده‌ایم که ما مسیحیان باید محبت کنیم، زیرا مسیح محبت نمود. لازم است بفهمیم که مطلب در اینجا خاتمه پیدا نمی‌کند. درست است که در ازدواج محبت لازم است که در نتیجه آن به همسر خود احترام قائل شده، مایل به زندگی با وی باشیم، ولی جذابیت ظاهری و زیبایی به خودی خود کامل و کافی نیست. محبت به تدریج رشد می‌کند؛ دو نفر از دوستان مسیحی نویسنده، تقریباً ۷۰ سال است که ازدواج کرده‌اند و مفهوم محبت در این دو نفر به مراتب عمیق‌تر از اغلب همسرانی است که دوران ماه عسل خود را می‌گذرانند.

پس یکی از امتیازات دوران آشنایی قبل از ازدواج این است که به نهال محبت در سال‌های پس از ازدواج که دائماً ریشه دوانده عمیق‌تر خواهد شد. احتیاج به تذکر نیست که مناسب‌ترین موقع برای نشان دادن این نهال دوران قبل از ازدواج می‌باشد، «خلل‌پذیر بود هر بنا که می‌بینی مگر بنای محبت که خالی از خلل است». چون قبل از ازدواج محبت شروع به نمو می‌نماید، فرصت بسیار مناسبی برای مطالعه و سنجش تفاوت‌ها و شباهت‌های خود خواهیم داشت. دو نفر به آسانی می‌توانند درباره رفتن به سینما موافقت کنند، ولی توافق در انتخاب فیلم دشوار و گاهی غیر ممکن می‌شود، مثلاً یکی به فیلم‌های کمدی علاقه دارد و دیگری به فیلم‌های خانوادگی. برای جوانی که علاقه به بسکتبال دارد، اگر همسرش فول را از گول تشخیص ندهد غیر قابل تحمل است. برای دختری که در ساختن گل‌های مصنوعی مهارت دارد و به آن علاقه‌مند است، همسری که گل را از خار تشخیص ندهد مصاحب دلچسبی نخواهد بود. خانمی که از دود سیگار متفاوت است، عادت جوانی را که معتاد به کشیدن چند پاکت در روز است باید در نظر بگیرد.

آشنایی به عادات یکدیگر بسیار ساده است. در مواقع مختلف با هم باشیم، مثلاً تا روزی که با گروه جوانان کلیسا به کوهنوردی رفتم، شاید توجه نکرده بودم که پا درد دارم و نمی‌توانم از تپه بالا بروم، ولی دختری که در نظر دارم با او ازدواج کنم عاشق این است که از کوه و تپه بالا برود. شاید بیشتر این نکات کوچک، به نظر بی‌اهمیت و بی‌معنی باشند، ولی وقتی دو همسر متوجه شدند که از حضور هم زیاد دلخوش نیستند همین جزئیات اهمیت پیدا می‌کند. این مطلب بسیار جدی است، پس اوین وظیفه ما این است که ببینیم به چه کسی علاقه‌مند هستیم و تا ممکن است عادات و اخلاق شخصی او را به دقت مورد مطالعه قرار دهیم.

ب - ایجاد علاقه‌های مشترک

به هیچ وجه اشکالی ندارد که خود را قدری تغییر دهیم و به آنچه که قبلاً توجه نمی‌کردیم علاقه پیدا کنیم، مثلاً از بسکتبال خوشمان نمی‌آید شاید به قوانین آن آشنا نیستیم، چه اشکالی دارد که یاد بگیریم؟ ممکن است کم کم علاقه‌مند شویم. شاید دختری درباره گل‌های مصنوعی و ابتکارات گلسازی نکات جالبی را برای من شرح دهد که هرگز فکر آن هم در فکرم خطور نمی‌کرد و بدین ترتیب عالم جدیدی از انگیزه خلقت و صنعت بر روی من

گشوده شود. شاید هم من که تاکنون به گل‌های زیبای طبیعی توجهی نداشتم به شکوه و جلال خالق آن پی ببرم. در دوران آشنایی قبل از ازدواج علاقه‌ها و تمایلات یکدیگر را می‌فهمیم و می‌کوشیم آنها را به هم نزدیکتر نماییم یا اقلاً می‌فهمیم که به چه دلیل دوست ما به چیزهایی که مورد توجه ما نیست، علاقه‌مند می‌باشد. شاید من در همدان به کلیسای انجیلی می‌رفتم و از کلیسای اسقفی اطلاعی ندارم، ولی دختر مورد علاقه من عضو کلیسای اسقفی اصفهان جایی که هر دو در آن زندگی می‌کنیم می‌باشد. همان طور که دوران قبل از ازدواج فرصت خوبی جهت آموختن نکات جالبی درباره گل‌های مصنوعی به ما می‌دهد، فرصت خواهیم داشت درباره قسمت دیگری از کلیسای مسیح اطلاعاتی فرا بگیریم. دوران قبل از ازدواج فرصت بسیار ارزنده‌ای برای آموختن و مطالعه مطالب گوناگون می‌باشد که به نحو احسن باید از آن استفاده کنیم.

شاید انتخاب همسر و آشنایی به طریق فوق مشکل و غیرممکن آید، ولی دورانی که اولیا برای جوانان همسر انتخاب می‌کردند، خواهی نخواهی به سر می‌رسد و با وجود اینکه هنوز هم بعضی از والدین مایل هستند برای یک فرد بالغ زن یا شوهر انتخاب کنند با حداقل با انتخاب او موافقت یا مخالفت کنند. پس از انتخاب و قبل از ازدواج معمولاً برای آشنایی بیشتر هنوز هم فرصت باقی است هر روزه از عده اشخاصی که امروز خواستگاری و فردا عروسی می‌نمایند، کاسته شود. مخصوصاً ما مسیحیان سعی می‌کنیم که در ازدواج محبت ما روی پایه تفاهم متقابل و احترام استوار گردد. همان طور که انتظار داریم خود را در ازدواج پیوند دهیم مایل هستیم در تجربیات خود قبل و بعد از ازدواج با هم شریک بوده یکدیگر را بهتر بشناسیم. تفکر درباره خودمان بسیار آسان است. تصمیم گرفته‌ایم که ازدواج کنیم، قبل از ازدواج متوجه می‌شویم که با فرد دیگری می‌پیوندیم نه اینکه او را فقط برای ارضای خاطر و خوشی خود انتخاب می‌نماییم؛ در ضمن اینکه این فرد دیگر را خوب می‌شناسیم، از احتیاجات و مشکلات او نیز خوب آگاه می‌شویم و مانند یک همسر و شریک زندگی خوب می‌فهمیم که لازم است تفاهمی برقرار نموده با خواسته‌ها و مشکلات او توافق داشته باشیم.

دیگر نباید فقط درباره تمایلات و خواسته‌های خود فکر کنیم، شخصی که فقط برای یافتن کمک برای خود و خوشی شخصی ازدواج می‌نماید، بهتر است در این خصوص با دقت بیشتری مطالعه نماید که آیا حقیقتاً برای ازدواج آماده است یا نه! ازدواج شامل دو فرد است؛ باید درباره طرف، خواسته‌های او، هدف و منظور او نیز تفکر نموده از خود پرسیم آیا می‌توانیم تا اندازه‌ای خواسته‌های او را برآورده نموده رضایت او را فراهم کنیم. ایران کشور کهن سالی است که به گذشته خود افتخار و مباهات می‌کند، ولی محیط همواره در تغییر است. چند سال قبل مسافرت به مشهد و تبریز فقط به وسیله اتوبوس ممکن بود، امروزه قطار و هواپیما نیز وجود دارد و در ضمن جاده‌ها و شاهراه‌های جدید نیز در دست احداث است. در اغلب جاها مخصوصاً در تابستان پستی کولا جای چایی را گرفته است؛ پس یک کشور کهن سال می‌تواند تغییر کند. به همین نحو اشخاصی که فکر می‌کنند پیر شده و به قول معروف از ایشان گذشته است، می‌توانند خود را تغییر دهند، حتی آنانی که به رسوم و عادات معینی پای‌بند می‌باشند. گرچه چند سالی از ازدواج ما گذشته باشد هرگز دیر نخواهد بود درباره آن تجدیدنظر نموده بکوشیم رابطه زناشویی خود را بهبود بخشیم.

هر قدر بر روحیه، تمایلات و خواسته‌های همسر خود بیشتر پی ببریم بهتر از گذشته خواهیم توانست او را کمک نموده خوشحال نگاه داریم. کشور ما در تغییر و تحول است و رشد می‌نماید. ازدواج ما نیز باید رشد نموده و در نتیجه گذشت دوران تحولی در خانواده ایجاد گردد. اغلب مدتی پس از ازدواج می‌فهمیم که به چه طریقی می‌توانیم همسر خود را بهتر کمک کنیم. باوجود اینکه هیچ مردی قادر نیست کاملاً به احساسات زنی پی ببرد حداقل وظیفه مرد است که پس از سال‌ها زندگی زن خود را بهتر بشناسد. یک فرد مسیحی علاقه‌مند است که همواره کمک و پشتیبان شریک زندگی خود باشد. در فصل گذشته درباره انواع مختلف ازدواج با غیر، خطراتی که ممکن است دربرداشته باشد و بعضی نکاتی که باید در نظر بگیریم فکر کردیم. تذکر دادیم که بهتر است از ابتدا زندگی مستقل و جدا از بستگان همسر خود تشکیل دهیم. ضمناً دینی که به الدین خود داریم ایجاب می‌نماید که در موارد لزوم به حد امکان به آنها کمک نماییم.

در این فصل نیز پیشنهاد شده است که به همسر خود علاقه‌های متفاوت و مشترک خود را مطالعه و بررسی کنیم. لازم است که از تفاوت‌ها و جنبه‌های خود مطمئن باشیم و بدانیم که امکان یک پیوند سعادت‌مند به احتمال قوی وجود دارد. بعضی افراد فقط به زندگی ظاهری توجه دارند، بدون داشتن یک پایه محکم در ازدواج و علاقه‌های مشترک متعدد

همواره علایم خطر در اطراف به چشم می‌خورند. توجه کردیم که در زندگی مشترک علاقه‌هایی را که قبلاً نداشته‌ایم باید ایجاد نماییم. تفاهم و توافق برای افرادی که مدتی است ازدواج کرده‌اند به همان اندازه که برای همسران تازه ضروری است، لازم است. به آنچه خودتان هستید بنگرید آیا همان عادات و صفاتی را که از شریک زندگی خود انتظار دارید دارا می‌باشید؟

فصل ششم: و این دو یک تن خواهند بود

این فصل درباره زندگی مشترک که شامل نکاتی است که تا اندازه‌ای از حیث اهمیت و به طور قابل ملاحظه‌ای از لحاظ طول و طرز تشریح آن با هم فرق دارند، در حقیقت ممکن بود اغلب این مطالب را در فصل قبل گنجانده و اینکه در فصل جداگانه نوشته‌ایم دلیل بر این نیست که به هم مربوط نیستند. آنچه هستیم و آنچه به جا می‌آوریم بستگی کامل چگونگی زناشویی و موفقیت ما در این باره است. ذیلاً به ذکر نکات مهمی که در استحکام پیوند ما بسیار مؤثر هستند می‌پردازیم.

الف - موضوع سن

چند سال قبل در روزنامه اطلاعات داستانی درباره ازدواج پیرمرد ۷۰ ساله با دختر ۱۷ ساله درج شده بود. کمی پس از ازدواج، شوهر پیر در نتیجه سکنه قبلی درگذشت. یکی از سؤالاتی که از مشاورین می‌پرسیم مربوط به سن است. افراد در چه سنی باید ازدواج کنند؟ این سؤال بخ اندازه خود سؤال‌کنندگان جواب دارد. اگر ازدواج می‌کنیم تا با مشارکت متقابل زندگی نماییم و انتظار داریم شغل و خواسته‌های ما تقریباً هماهنگ باشند یا در نظر داریم که در تربیت فرزندان خود سهمیم باشیم، خلاصه در گرداندن چرخه زندگی به هم کمک نموده باری را که به دوش داریم با هم به منزل برسانیم، طبیعی است که زن و شوهر باید تقریباً هم سن باشند. آمار و مطالعات اخیر نشان می‌دهد که اگر سن زن کمی بیشتر از شوهر باشد زناشویی سعادتمندتر خواهد بود، ولی به طور کلی رسم چنین است که شوهر مسن‌تر از زن باشد. البته هر فرد خود در این موضوع قضاوت می‌کند که آیا شخصی را که در نظر گرفته است، از حیث سن مناسب است یا خیر ولی باید به خاطر داشته باشیم که اگر میل داریم حقیقتاً شریک زندگی هم بوده در تجربیات سهمیم باشیم، بهتر است سن همسر ما حدود سن خودمان باشد.

پیرمردانی که با دختران خیلی جوان ازدواج می‌کنند، نباید انتظار داشته باشند که زنشان با آنها دارای علاقه‌های مشترک باشند و ابدای تعجب نیست که در این موارد زنان جوان مایل هستند با مردان جوانتر از شوهر خود معاشرت نمایند و اگر خدایی ناکرده این شوهران نسبت به زن خود سؤطن پیدا نماید باعث ناراحتی و اشکال می‌شود. با وجود اینکه اغلب ما می‌توانیم حدس بزنیم یک عروس ۱۷ ساله و داماد ۷۰ ساله تا چه اندازه می‌توانند با هم زندگی خوشی داشته باشند. اصل مطلب این است که درباره یک شریک زندگی فکر می‌کنیم و به همین دلیل موضوع سن را مورد بحث قرار می‌دهیم، زیرا موضوع سن یکی از عواملی است که در خوشی زندگی زناشویی بسیار مؤثر است. در حقیقت برای اینکه زن و شوهر بتوانند یک شده توافق داشته باشند، اختلاف سن نباید زیاد باشد. معمولاً در مواردی که بیش از ۱۰ سال تفاوت سنی وجود داشته باشد، فرصت خوشبختی کمتر از موارد دیگر است. شخصی که می‌خواهد با فرد دیگری که از حیث سن زیاد با هم فاصله دارند ازدواج کند، حتماً باید در این مورد دقت و مطالعه جدی بنماید.

ب - سطح معلومات

شرط دیگر پیوند سعادتمند زمینه و مقدار تحصیل دو طرف است. جوانانی را می‌شناسیم که برای تحصیل به امریکا یا اروپا رفته و زنان ایشان در ایران مانده‌اند. نباید گفت که مردی حق ندارد تحصیلات خود را ادامه دهد و یا اگر به دلایل اقتصادی نمی‌تواند زن خود را نیز با خود ببرد مقصر است، ولی خواهی نخواهی پس از مراجعت، دنیای مرد و طرز تفکرش با زنش بسیار فرق خواهد داشت و شاید هم از اینکه زنش قادر نیست افکار و تمایلات او را درک نماید ناراحت بشود باید اقرار کند که این دو در حقیقت از هم جدا گشته‌اند. تفاوت سطح معلومات فقط در نتیجه مسافرت به خارج نیست. تا این اواخر در ایران از زنان انتظار تحصیلات زیاد نبود، ولی زمانه عوض شده است، اغلب شوهران مایل هستند که زن تحصیل کرده‌ای داشته باشند. وقتی زن و شوهر بتوانند در افکار و عقاید خود مانند مراحل دیگر زندگی سهمیم و شریک باشند، زندگی سعادتمندتر می‌گردد.

باید این را نیز در نظر گرفت که در مواردی که سطح معلومات و تحصیلات زن بیشتر باشد معمولاً مشکلات بیشتری پیش می‌آید، زیرا طبق معمول و غریزه طبیعی مرد مایل است حاکم و بزرگ خانه بوده همه از وی اطاعت نمایند، ولی زنش بهتر می‌فهمد و می‌داند که چه باید کرد. اگر میزان تحصیلات زن و شوهر به یک اندازه باشد می‌توانند با

هم مطالعه نموده معلومات خود را توسعه دهند و درباره مسایل تبادل افکار نمایند و در شرکت نمودن در برنامه‌های آموزشی خارج از خانه نیز علاقه مشترک داشته باشند. حال چه کسی می‌تواند بگوید که مقدار تحصیلات زن و شوهر در موقع ازدواج تا چه اندازه باید باشد؟ تحصیلات که انتها ندارد «زگهواره تا گور دانش بجوی». در دنیای امروزه باید زن و شوهر را تشویق نمود که تا ممکن است تحصیلات بیشتری داشته باشند، ولی در اینجا منظور این است که پایه معلومات هر دو به یک اندازه باشد تا بتوانند تفاهم بیشتری داشته و خوش‌تر باشند و هیچ یک از دو طرف در نتیجه کمتر بودن معلومات حس حقارت نمی‌کند.

ج- تأثیر شغل در ازدواج

از خانمی سؤال شد شوهر شما چه کاره است؟ جواب داد کارمند اداره. کدام اداره؟ متصدی چه قسمتی؟ فنی؟ دفتری؟... و غیره. در جواب تمام این سؤالات دوباره جواب داد کارمند اداره است. به خوبی واضح شد که نه اسم اداره، نه نوع کار، نه نشانی محل اداره را می‌داند و نه اشخاصی را که شوهرش با ایشان کار می‌کند می‌شناسد. می‌گویند هر فرد باید در زندگی سه تصمیم بگیرد:

۱- عیسای مسیح را به عنوان نجات دهنده خود قبول یا رد کند.

۲- همسر و شریک زندگی انتخاب نماید.

۳- در انتخاب شغل تصمیم بگیرد.

در این کتاب توجه و تأکید درباره تصمیم دوم است، ولی چون طرف سخن ما با مسیحیان است قطعاً به تصمیم اولی نیز مربوط می‌گردد و عاقلانه هم نیست که به تصمیم سوم توجهی نشود. اغلب ما شغل خود را انتخاب نمی‌کنیم، فقط هر جا کار باشد و کارمندی لازم است استخدام خواهیم شد. هر قدر تحصیلات فرد بیشتر باشد، فرصت یافتن شغلی بر طبق علاقه و تخصص او بیشتر است و می‌تواند با میل و اشتیاق مشغول گردد. به شغل یک خانم خانه‌دار هم نباید به چشم حقارت نگریست. خانمی که کدبانوی خانه و مادر چند فرزند است وظیفه‌ای به عهده دارد که تقریباً نصف جمعیت عالم به انجام آن مشغولند و این برای بانوان دعوت مقدسی است که با اجابت آن تا حدی که در قدرت دارند در انجام این وظیفه سنگین می‌کوشند. تحصیلات ما به هر پایه‌ای که باشد و هر نوع کاری را که انتخاب نموده باشیم موظف هستیم کار خود را به نحو احسن انجام دهیم. برای تأمین زندگی در هفته چندین ساعت کار می‌کنیم. به دلایل متعددی کار ما بسیار اهمیت دارد و طبیعی است که می‌خواهیم در تمام جزئیات کار خود با همسرمان سهیم باشیم. زن و شوهر در روز مشغول چه کاری هستند؟ اداره او کجاست؟ زن از کجا خرید می‌کند؟ با چه کسانی هر روزه سر و کار دارد؟ این سؤالات در حال سادگی مهم هستند، زیرا سؤالاتی مربوط به زندگی ما هستند، ولی از همه مهم‌تر این است که منظور از کار چیست؟ آیا شوهر در دفتر آجوسازی کار می‌کند یا در دفتر بیمارستان؟ آیا کار او یک حرفه مسیحی است یا خیر؟ آیا در بازار دوچرخه‌فروش، فرش فروش یا فروشنده فیلم‌های سینمایی است؟ مشاغل فوق ابداً با هم شباهتی ندارند و قطعاً دو شریک زندگی علاقه دارند از نوع کار یکدیگر با اطلاع باشند.

د- موضوع جنسی در ازدواج

هنری نومن، در کتاب مفید خود بنام «تفسیر ازدواج از نظر مسیحیت» می‌نویسد که اولین مفهوم ازدواج که به هیچ وجه نباید از لحاظ اهمیت در درجه دوم قرار گیرد شراکت است. ازدواج وسیله خدایی و مشیت الهی به منظور غلبه بر تنهایی زندگی انفرادی است. «خدا گفت جایز نیست آدم تنها باشد» (پیدایش ۲: ۱۸)، بنابراین مرد پدر و مادر خود را ترک کرده با زن خود خواهد پیوست و یک تن خواهند بود (آیه ۲۴) بدین ترتیب ازدواج علاوه بر اینکه پیوند خصوصی و فردی است، وسیله تماس و ارتباط جامعه نیز به شما می‌آید. در نتیجه پیوند جنسی و علاقه، در عقیده مونوگومی (عقیده تک همسری) زن و شوهر زندگی یکدیگر را توسعه داده در حقیقت یک دایره اجتماعی دیگری را دو برابر می‌کنند. در ارتباط با بشر و خدا، در ازدواج لازم است به ارتباط موضوع جنسی با خدا توجه کنیم. در تمدن‌ها و دوران‌های مختلف تاریخ، موضوع جنسی را ناپاک و شیطانی تلقی کرده‌اند، ولی لازم است به خاطر بیاوریم که خدا ما را مرد و زن آفرید تا برای درک تکامل زندگی ازدواج نماییم.

باید بدانیم که موضوع جنسی، شیطانی نبوده بلکه از خداوند است. البته هر یک از ما به خوبی می‌دانیم که چگونه بشر از رابطه جنسی سوءاستفاده نموده، این ناموس زیبا و مقدس ازدواج را با جنبه فحشایی آن به فساد تبدیل کرده است، ولی خدا به ما امر فرموده که تولید نسل نماییم و در هماهنگی زیست نموده یک تن باشیم. در نزدیکی جسمی است

که زن و شوهر در حقیقت یک بدن می‌گردند و در این مرحله محبت صمیمی خود را به یکدیگر با شگفت‌آورترین طرزی ابراز می‌دارند. خدا ما را به یکدیگر بخشیده است که از وجود هم بهره‌مند گشته لذت ببریم. خداوند ما را با این غریزه خلق فرموده است، بنابراین مجاز هستیم و می‌توانیم با همان مفهوم لغوی با یکدیگر بیامیزیم. به همین نحو می‌توانیم ارتباط موضوع جنسی در ازدواج را با بشر در نظر بگیریم. این نکته کاملاً به موضوعی است که قبلاً ذکر گردید. خدا ما را مرد و زن آفرید که از وجود هم به نحو کاملاً پاک و منزهی بهره‌مند شویم. در کار خدا اشتباه و فساد وجود ندارد، بنابراین وقتی زن و شوهر به طوری که در کتاب مقدس نوشته شده یکدیگر را می‌شناسند، از طرفی نقشه خدا را تکمیل نموده و در مفهوم حقیقی ازدواج خود سهیم می‌گردند.

مسئله جنسی در ازدواج به جای ناپاک و شیطانی بودن یکی از مقدس‌ترین و شگفتی‌ترین مسیرهایی است که برای ابراز از غریزه‌های خود داریم. مفهوم مشارکت بارها در این صفحات تکرار گردیده است، زیرا مشارکت پایه ازدواج است. زن و شوهر با شناختن یکدیگر در حقیقت در تمام هستی خود با یکدیگر سهیم می‌گردند. البته یکی از منظوره‌های اصلی ازدواج به دنیا آوردن فرزندان است تا خانواده توسعه یافته سعادت و خوشی فامیل با وجود اطفال که هدیه خداوند می‌باشند افزون گردد، ولی هدف به همین جا محدود نیست در ازدواج زناشویی دو تن در محبت خود یکدیگر را سهیم نموده بدون شک بیشتر از هر مورد دیگر به هم نزدیک می‌شود. از نظر مشارکت و تفاهم، لزوم توافق و تفاهم با همسر در ارتباط جسمی زناشویی فوق‌العاده مهم است. اشخاص در نتیجه تربیت و تعلیم متفاوت درباره موضوع جنسی و همچنین از نظر طبیعت شخصی فرق می‌کنند. در بعضی خانواده‌ها مخصوصاً به دختران ابداء اطلاع یا تعلیمی درباره موضوع جنسی داده نمی‌شود.

اغلب پدر و مادران از روی عمد یا غیر آن به فرزندان خود تلقین می‌کنند که روابط جنسی در ازدواج معایبی دارد. در نتیجه فرزندان از یک طرف دچار واهمه گشته از طرف دیگر بی‌اطلاع می‌مانند. یک شوهر می‌تواند محبت سرشار خود را با همدردی و تفاهم به همسر خود اظهار دارد. پولس رسول در یکی از رساله‌های خود در فصلی که به ازدواج اختصاص داده می‌نویسد: «شوهر حق زن را ادا نماید و همچنین زن حق شوهر را. زن بر بدن خود مختار نیست، بلکه شوهرش و همچنین مرد نیز اختیار بدن خود را ندارد بلکه زنش» (اول قرن‌تین ۷: ۳-۴). خلاصه اینکه احتیاجات و تمایلات غریزی همسر ما باید قبل از هر چیز مورد توجه و اهمیت قرار گیرد. کتاب‌های بسیار مفید و آموزنده‌ای درباره مسایل زناشویی نوشته شده و مطالعه آنها برای زوج‌های جوان راهنمای مؤثری است. بعضی شبانان و مریبان دانشمند به منظور مشاور در موضوع فوق، تعلیم یافته‌اند.

ه- اصلاح شخصیت

از همسر خود چه انتظار دارید؟ شخصیت جالب، لبخند شیرین، شخصیتی فعال، کار دائمی، کسی که در خرج کردن پول مدبر باشد؟ اگر صفات مذکور را از دیگری انتظار دارید بهتر است تعقل کنید که دیگران نیز در جستجوی همسری به همین صفات هستند. پس به خودتان نگاه کنید. آیا در مقابل ناملايمات خوشرو هستید؟ آیا می‌توانید از عهده انجام مشکلات برآیید؟ اگر اوضاع برخلاف میل شما باشد باز هم لبخند می‌زنید؟ در خرج کردن پول ملاحظه می‌کنید؟ و با امثال اینها می‌توانید خود را اصلاح نمایید. در موقع خواندن این صفحات شاید مدتی است ازدواج کرده‌اید یا مجرد هستید. می‌توانید دیر یا زود زندگی را برای خود و همسران با اصلاح شخص خود خوشحال‌تر و سعادت‌مندتر نمایید. همان طور باشید که انتظار دارید دیگران باشند. معمولاً کارها را یک به یک باید اصلاح نمود، ولی با یاری خداوند و کمک و همکاری یک همسر مهربان اغلب ما می‌توانیم بهتر از آنچه هستیم باشیم. صدای بلند برای یک خانم بسیار زشت و نامطلوب است. شنیدن این نوع صدا در موقعی که صاحب آن برای کمی درآمد عصبانی است یا شوهر خود را برای اینکه چرا به موقع همسایه را به شام یا نهار دعوت نکرده است ملامت می‌کند غیر قابل تحمل می‌باشد. حافظه قابل تربیت است، شوهری که نامه‌ها را یک هفته در جیب خود می‌گرداند و فراموش می‌کند به پست بدهد. او می‌تواند آنچه را که لازم است به خاطر بسپارد. خود را امتحان کنید و ببینید آیا همان طور هستید که از همسر و شریک زندگی خود انتظار دارید؟ یک برنامه اصلاح شخصیت تنظیم نمایید.

و- استفاده صحیح از وقت

همسایه من می‌گوید: «خیلی میل دارم به دیدن شما بیایم ولی وقت ندارم» آیا نظیر این جمله را شنیده‌اید؟ بسیار جالب است توجه کنیم که برای کمیته‌ها و مأموریت‌های مهم کلیسایی، تجارتي و دولتی یا کمیته‌های اجرای برنامه‌ها چه نوع

اشخاصی انتخاب می‌شوند. بیشتر کمیته‌های مهم از اشخاصی که مشغله زیادی دارند تشکیل یافته است. می‌گویند اگر بخواهید کاری به موقع انجام شود به عهده کسی که مشغله زیاد دارد واگذار کنید، زیرا این افراد اشخاصی هستند که می‌توانند کارهای مختلف را به موقع انجام دهند. می‌دانند چگونه باید ترتیب کار را بدهند و به طور قطع تنبل هم نیستند. واضح بگویم هیچ یک از ما مایل نیستیم با اشخاص تنبل سر و کار داشته باشیم این اشخاص می‌خواهند کار سخت را به گردن دیگران انداخته از نتیجه زحمات ایشان بهره‌مند گردند. اشخاص تنبل وقت ندارند بسته شما را به پست بدهند، زیرا نمی‌توانند از خواب خوش بعد از ظهر و استراحت صرف‌نظر کنند. در ازدواج لازم است وقتی برای خدا، همسر، خودمان و کودکانی که در آتیه خواهیم داشت اختصاص دهیم. خیلی آسان است که برای هر نوع جلسات، سینمای هفتگی، خواندن روزنامه وقتی تعیین نماییم، ولی نتوانیم در هفته یک ساعت برای پرستش دسته جمعی وقت پیدا کنیم.

در همان اوایل ازدواج، زن و شوهر وظیفه دارند وقتی برای خدا هم در کلیسا و هم با یکدیگر و هم به طور انفرادی (خصوصی) تعیین نمایند. این نکات برای هر خانواده مسیحی اصلی و بسیار مهم است. همچنین لازم است که وقتی برای گذراندن با همسر خود اختصاص دهیم. قبل از ازدواج یک جوان مجرد باید بفهمد که پس از ازدواج نخواهد توانست مانند روزهای قبل با جوانان دیگر و دوستان خود مرتباً به باشگاه برود. ازدواج مسؤولیت‌هایی دارد یکی از این مسؤولیت‌ها تعیین وقتی برای همسر می‌باشد. این وقت را ممکن است به طرق مختلف گذرانند. شبی در منزل، شبی با ملاقات دوستان، گاهی رفتن به سینما یا رفتن به مجلس متأهلین کلیسا. در این موقع هر جا باشد زن و شوهر در یک نوع تجربه شرکت کرده از رفاقت و حضور یکدیگر و دیگران لذت برده‌اند. دو همسر جوان ساعت‌های خوشی را با هم در طرح‌ریزی وضع خانه، خرید که وسیله مناسب برای اتاق پذیرایی یا یک دست لباس تازه برای شوهر می‌گذرانند. به این ترتیب لباس، لوازم، میز و هر چیز دیگر طوری به هر دوی ایشان تعلق می‌گیرد که اگر فقط یکی از دو طرف عهده‌دار خرید می‌بود این مفهوم غیر ممکن می‌گردید.

بعضی از شوهران لازم است مخصوصاً توجه کنند موقعی که بچه‌ای به خانواده اضافه شد، وق کافی برای گذراندن با بچه را داشته باشند. کودکانی که تمام روز با مادر و خدمتکار هستند احتیاج مبرمی به توجه پدر و تربیت مردانه وی دارند. به همین نحو هر یک از دو همسر وقت خاصی را برای خود لازم دارند. برای اغلب شوهران بسیار خوشایند و لذت‌بخش است که وقتی در خانه مشغول انجام کارهای شخصی خود می‌باشند زن وارد اتاق شده روی زانوی ایشان بنشیند، ولی زن در این باره نباید زیاده‌روی کند که حضورش چندان خوشایند نباشد. هر مردی مایل است گاهی تنها باشد و در خانه همان جایی که زن تمام روز آزاد بوده و به تنهایی گذرانده و در ضمن شوهر در اداره مشغول کار بوده است چند دقیقه‌ای به کارهای شخصی خود بپردازد یا در سکوت وقایع روز جهان را در روزنامه خوانده یا از رادیو بشنود و البته وقتی هم برای دعا کردن به تنهایی لازم است.

ز - بیمه

زلزله‌ها رخ می‌دهند و شوهران می‌میرند. تقریباً هر چیزی که تاکنون در این فصل گفته‌ایم مربوط به زندگی با هم بوده و این قسمت در حقیقت درباره مردن با هم می‌باشد، می‌باشد، زلزله‌های اخیراً در ایران نزدیکتر و خطرناکتر از آن بوده‌اند که بتوانیم فکر کنیم اصلاً وجود نداشته‌اند. در اطراف ما مرگ حقیقی‌تر و مشخص‌تر از آن است که بتوان از آن دوری و اجتناب نمود. منظور من این است که درباره بیمه چه کرده‌ایم؟ اگر خدایی ناکرده شما بسوزد هستی شما به کلی از بین برود، امیدی به بیمه دارید؟ بعضی از مردان شغل خوبی دارند و با اینکه از زنان خود به خوبی توجه و نگهداری می‌نمایند، افتخار می‌کنند، ولی مدت طولانی مریض می‌شوند یا می‌میرند. در این صورت وضعیت زن در چه حالی است؟ هیچ چیز برایش باقی نمانده است، زیرا شوهر به موقع فکر او را نکرده است. برای پیشگیری از این اتفاقات از بیمه‌ها استفاده کنید.

ح - گذشت (عفو و بخشش)

فلانی چند هفته‌ای است که به کلیسا نیامده، آیا مری است؟ خیر، او و خواهرش با هم قهر هستند و با هم حرف نمی‌زنند. او می‌ترسد مبدا خواهرش را در کلیسا ببیند از این جهت از آمدن به کلیسا خودداری می‌کند. متأسفانه این فقط خوابی نیست که من و شما اتفاقاً می‌بینیم، این گونه رفتارها را بارها دیده‌ایم. بعضی از مسیحیان به کلیسا نمی‌آیند، چون از یک نفر قهر کرده‌اند. اشکال کار اینجاست که اغلب ما معنی تعلیم مسیحی «گذشت» را نمی‌دانیم.

مسیح فرمود که چند بار شاگردانش یکدیگر را ببخشید؟ شوهر من فراموش کرد که روز تولد من هدیه‌ای بدهد، پس تا یک هفته به او نزدیک نخواهم شد، فکر بچگانه‌ای است. بخشش و گذشت هسته مرکزی ایمان و مذهب مسیحی و ازدواج مسیحی است. در زندگی مشترک و تماس نزدیکی که زن و شوهر دارند ممکن است هر روز درباره آنچه همسر ما می‌کند یا نمی‌کند عصبانی بشویم، ولی هرگاه شریک زندگی ما آن طوری که مایل هستیم رفتار نمی‌کند ما باید با گذشت خود محبت قلبی خود را نشان دهیم. زندگی مشترک یعنی زندگی با هم. اگر درباره هر کار جزئی که همسر ما انجام می‌دهد یا نمی‌دهد دائماً عصبانی شویم، نمی‌توانیم با هم زندگی خوشی داشته باشیم. بعضی از زن و شوهران قرار دارند که هیچ شبی تا موقعی که مشکلات خود را حل نکرده‌اند، نخوانند. در این صورت چون وقتی را صرف تفاهم و گذشت نموده‌اند، صبح روز بعد می‌توانند با توافق و یگانگی روز خوش دیگری را آغاز نمایند.

فصل هفتم: انسان آن را جدا نکند

مختصری که ذکر شد آغاز دانستنی‌هاست. هر جا که نظریه‌ها و افکار جدید برای خواننده گرامی ارزشمند بوده است، حال درمورد آنها بیشتر تفکر نمایید. هر کتابی نظیر این در صورتی که به طور صحیح مورد استفاده قرار گرفته باشد فقط مقدمه و آغاز است. انتظار می‌رود که بعضی از این افکار محرکی برای تفکر و تعقل شما باشد تا بتوانید بهتر فکر کرده برای یک پیوند به مفهوم واقعی طرح‌ریزی نمایید. چرا هم اکنون با همسر خود ننشینید و درباره طریقه‌هایی که می‌توانید ازدواج خود را بهبود ببخشید مذاکره نکنید. مسیح را شریک و مشاور اصلی پیوند خود قرار دهید. انجیل مرقس ۱۰: ۹-۱ را دوباره به آرامی و دقت بخوانید و درباره هر فکر تازه‌ای که در ضمن مطالعه این صفحات به نظرتان رسیده است تفکر کنید. آنجا که خدا زن و مرد را در محبت به هم پیوست «انسان آن را جدا نکند».